

بررسی عوامل ضد انگیزشی دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان ایرانی در تاسیس بنگاه کارآفرینانه

محمدتقی انصاری^۱

بهمن فکور*^۲

چکیده

هدف این مطالعه، شناسایی و رتبه‌بندی مولفه‌های عوامل ضدانگیزشی دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان کشور در گرایش به کارآفرینی و تاسیس بنگاه مستقل کسب و کار است. از پرسشنامه به عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل مدیران شرکتهای مستقر در مراکز رشد دانشگاه‌های دولتی تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. بر مبنای تجزیه و تحلیل توصیفی متغیرها و نتایج آزمون فریدمن، مولفه‌های ترس از ناتوانی در تهیه منابع مالی کافی برای راه‌اندازی کسب و کار، ترس از شکست مالی، نگرانی از عدم امکان تأمین الزامات قانونی، ترس از بدهی و نداشتن تجربه کاری، به ترتیب از مهم‌ترین مؤلفه‌های عوامل ضد انگیزشی دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان در تاسیس بنگاه کسب و کار است. همچنین بر مبنای ضریب همبستگی اسپیرمن، بین تعدادی از عوامل ضد انگیزشی با متغیر وابسته (تاسیس بنگاه جدید کسب و کار)، در سطح ۹۵ درصد اطمینان، همبستگی معنی‌دار معکوس وجود دارد. بر مبنای نتایج حاصل، عوامل ضد انگیزشی شناسایی شده به عنوان موانع کارآفرینان مورد مطالعه در گرایش به فعالیت‌های کارآفرینانه عمل می‌کند. این یافته‌ها می‌تواند در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مسئولان جهت بهبود شرایط محیطی برای کارآفرینی و تدوین برنامه‌های ترویجی و آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه‌ها

کارآفرینی، کارآفرینان جوان، عوامل ضد انگیزشی، موانع تاسیس بنگاه

۱ - عضو هیئت علمی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

۲ - عضو هیئت علمی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: bfakour@gmail.com

مقدمه

کمبود شدید فرصت‌های شغلی در بخش دولتی و بخش خصوصی برای دانش‌آموختگان جوان دانشگاهی در کشور ما، پرداختن به موانع و عوامل ضد انگیزشی کارآفرینی جوانان و جستجوی راهکارهای تقویت گرایش دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان به کارآفرینی و راه‌اندازی بنگاه‌های جدید و مستقل کسب و کار را از اهمیت و ضرورتی دو چندان برخوردار می‌سازد.

مسئله تحقیق حاضر شناسایی و اولویت بندی موانع و عوامل ضد انگیزشی برای کارآفرینی و تاسیس بنگاه‌های مستقل کسب و کار توسط دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان ایرانی است.

امروزه کارآفرینی در تمامی کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است. ایجاد کسب و کارهای جدید و اشتغال‌زایی از جمله پیامدهای کارآفرینی است، اهمیت و تاثیرگذاری این پیامدها سبب شده است تا در برنامه‌ریزی‌های کلان اغلب کشورها، ترویج کارآفرینی به عنوان یک سیاست و خط مشی مهم مورد توجه قرار گیرد. نهادهای جهانی^۱ بر اهمیت کارآفرینی در به حرکت درآوردن توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال برای جوانان تأکید نموده و سعی کرده‌اند با برنامه‌ریزی‌ها و انجام مطالعات میدانی، خط‌مشی‌هایی را برای کاهش موانع کارآفرین شدن جوانان مشخص کرده و عوامل ترغیب جوانان به فرایند کارآفرینی را مورد شناسایی قرار دهند.

همان‌گونه که شرایط زمینه‌ای کارآفرینی از کشوری به کشور دیگر ممکن است فرق کند، جوانان هم با مشوق‌ها و موانع متفاوتی برای راه‌اندازی کسب و کار روبرو هستند و باید تفاوت بین کارآفرینی جوانان و بزرگسالان مورد توجه قرار گیرد. کارآفرینان جوان به اقتضای سن و تجربه کاری محدود، اغلب در طی فرایند راه‌اندازی کسب و کار با موانع و محدودیت‌های خاصی مواجه می‌شوند که برخی اوقات با موارد مربوط به بزرگسالان متفاوت است. به همین دلیل، لازم است کارآفرینی جوانان دانشگاهی مورد عنایت ویژه قرار گیرد.

تمایل به کارآفرینی فردی و تاسیس بنگاه ارتباط مستقیمی با دانش، مهارت، تجربه، شرایط خانوادگی، ویژگی‌های شخصیتی فرد و شرایط محیطی و اجتماعی دارد. برای راه‌اندازی کسب و کار از یک سو باید زمینه‌های ذهنی و شرایط اجتماعی فرهنگی مساعد باشد و از سوی دیگر، باید محیطی کاملاً حمایتی به وجود آید؛ محیطی که مردم را به تأسیس و رشد کسب و کار و سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت تشویق کند و زمینه‌های شکست بازار را که مانعی برای موفقیت بنگاه‌ها، سرمایه‌گذاری و

۱ - به طور نمونه، ایجاد «شبکه اشتغال جوانان» با همکاری بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار.

رشد کسب و کار محسوب می‌شود، بر طرف نماید.

پیشینه تحقیق

در خصوص مشوق‌ها و موانع جوانان در گرایش به فعالیت‌های کارآفرینانه پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه عمدتاً به لحاظ نوع عوامل مورد بررسی (موانع و مشوق‌های محیطی برای کارآفرینی یا عوامل ضدانگیزشی کارآفرینی)، قلمرو مکانی پژوهش و محدوده سنی جامعه مورد بررسی، قابل دسته‌بندی هستند.

از جمله پژوهش‌هایی که به طور متمرکز بر روی دانشجویان انجام گرفته است، بررسی انجام شده از طرف روبرتسون و همکاران وی است. آنان در مطالعه خود بر روی دانشجویان دانشگاه لیدز، عوامل حیاتی برای تاسیس بنگاه و نیز موانع مهم و اساسی دانشجویان بر سر راه تاسیس بنگاه کسب و کار را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که به ترتیب: کمبود منابع مالی، نداشتن ایده کسب و کار، در دسترس نبودن حمایت‌ها، نداشتن مهارت‌های مورد نیاز، پر مخاطره بودن تاسیس بنگاه کسب و کار، عدم اطمینان، نبود دلگرمی و نبود انگیزه مهم‌ترین موانع برای راه‌اندازی بنگاه از طرف دانشجویان بوده است. همچنین عوامل حیاتی برای تاسیس بنگاه از طرف دانشجویان به ترتیب: داشتن انگیزه، داشتن ایده و بازار، وجود شبکه‌های حمایتی و مشاوره، حمایت والدین و دسترسی به وام و منابع مالی شناخته شده است. (Robertson, 2002: 48) مهم‌ترین ویژگی این بررسی جامعه آماری دانشجویی آن است ضمن اینکه در آن تماماً موانع و مشوق‌های دانشجویان در مسیر راه‌اندازی بنگاه‌های کسب و کار مورد بررسی قرار گرفته است ولی داده‌های این بررسی منحصر به دانشجویان دانشگاه لیدز است.

در قلمرو مکانی وسیع‌تر، اسکوف در سطح کشورهای اروپایی موانع و مشوق‌های راه‌اندازی بنگاه توسط جوانان تا ۲۹ سال را مورد بررسی قرار داده است. وی در بررسی خود چارچوب مشخصی را که شامل: نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی به کارآفرینی جوانان، آموزش‌های کارآفرینی، دسترسی به منابع مالی، قوانین و مقررات اداری و حمایت از کسب و کار می‌شود به نظر خواهی گذاشته و جنبه‌های مثبت این عوامل و دسترسی به آنها را به عنوان عوامل مشوق در راه‌اندازی بنگاه و جنبه‌های منفی و فقدان این عوامل را موانع مسیر راه‌اندازی بنگاه می‌شناسد. نتایج بررسی وی نشان می‌دهد: فقدان عواملی شامل اعتبارات مالی، تجربه، مهارت، دانش و آشنایی با دنیای کسب و کار به عنوان عوامل

اصلی در دلسرد شدن جوانان نسبت به تاسیس بنگاه است. این مطالعه علیرغم اهمیت وسعت مکانی آن که شامل کشورهای سطح اروپا می‌شود و نیز تمرکز بر جامعه جوانان، در بررسی خود بیشتر عوامل محیطی مشخصی را به نظر خواهی گذاشته است و از این رو نتایج آن بطور جامع، موانع و مشوق‌های انگیزشی در راهاندازی بنگاه توسط دانشجویان را شامل نمی‌شود (Schoof, 2006: 7).

علیرغم ویژگی‌های برجسته بررسی‌های سازمان دیده‌بان جهانی کارآفرینی، یعنی تکرار سالیانه و انجام آن در سطح وسیع کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه عضو، این بررسی عمدتاً شامل موانع محیطی گرایش به کارآفرینی افراد فعال جوامع (از ۱۸ تا ۶۴ سال) می‌شود (به عنوان نمونه ر.ک. GEM, UK, 2008) گرچه در بررسی‌های قدیمی‌تر این سازمان، علاوه بر عوامل محیطی برخی از عوامل ضد انگیزشی مانند ترس از بدهی و ترس از شکست نیز جزو عوامل مورد بررسی قرار داشته است (GEM, UK, 2001). در مجموع، بررسی‌های این سازمان به طور مستقیم داده‌هایی را در ارتباط با عوامل ضد انگیزشی دانشجویان در تاسیس بنگاه کسب و کار به دست نمی‌دهد.

پژوهش دیگری که بر روی موانع محیطی و عوامل ضد انگیزشی انجام شده است بررسی هاتالا در منطقه تورنتو کانادا بر روی افراد متقاضی دریافت حمایت برای تاسیس بنگاه کسب و کار است. در این پژوهش سه عامل محیطی شامل «منابع مالی»، «حمایت از تاسیس بنگاه» و «حمایت‌های خانوادگی» در کنار دو عامل ضد انگیزشی شامل «عدم اطمینان»، «نداشتن وقت کافی» و یک عامل محیطی ضد انگیزشی «فقدان مهارت‌ها» که هر کدام از این عوامل توسط ۳ تا ۶ مولفه نمایندگی می‌شوند، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این بررسی ضمن تأیید عوامل ذکر شده، اهمیت نسبی آن‌ها را مشخص کرده است. جامعه آماری این پژوهش شامل افراد متقاضی دریافت حمایت‌های تاسیس بنگاه است، ولی کمتر از ۱۱/۵ درصد آنها شامل جوانان ۱۸ تا ۲۹ می‌شود. همچنین در این پژوهش عوامل ضد انگیزشی بطور جامع مورد بررسی قرار نگرفته است (Hatala, J.P., 2005: 60-64).

از پژوهش‌های دیگری که موانع و محرک‌های تشکیل بنگاه کسب و کار را مورد بررسی قرار داده‌اند، بررسی مقایسه‌ای انجام شده بین کشورهای آمریکا و روسیه است. جامعه مورد مطالعه شامل ۲۳۳ مالک بنگاه‌های کسب و کار کوچک در دو کشور مذکور و بدون در نظر گرفتن گروه سنی خاص می‌باشد. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد در کشور آمریکا به ترتیب مهم ترین موانع تجربه شده از طرف مالکین برای تاسیس بنگاه شامل: «بالا بودن نرخ مالیات»، «مقررات دست و پا گیر دولتی»، «تهیه منابع مالی»، «دسترسی به کارکنان واجد شرایط و قابل اطمینان»، «نرخ بهره بالا» و «دست‌یابی

به فروش موفق است. در کشور روسیه به ترتیب مهم‌ترین موانع تجربه شده از طرف مالکین برای تاسیس بنگاه عبارتند از: "بالا بودن نرخ مالیات"، "نرخ بهره بالا"، "مقررات دست و پا گیر دولتی"، "تهیه منابع مالی"، "دسترسی به کارکنان واجد شرایط و قابل اطمینان" و "قابل اطمینان بودن شرکای تجاری". در این مطالعه علی‌رغم جامعیت نسبی آن در بررسی موانع محیطی برای تاسیس بنگاه در دو کشور آمریکا و روسیه، به بررسی عوامل ضد انگیزشی پرداخته نشده است. همچنین تنها ۱۲/۵ درصد از جامعه مورد بررسی به گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال اختصاص دارد و دانشجویان یا دانش‌آموختگان جوان نیز جزو مطالعه نبوده‌اند (Zhuplev, et al. 516-1998:505).

روش پژوهش

نوع مطالعه و هدف تحقیق

این پژوهش، بر مبنای هدف، از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش تحقیقات علمی از نوع توصیفی-پیمایشی است (رجوع شود به: سرمد و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۲-۸۰).

هدف اصلی این پژوهش عبارت است از بررسی عوامل ضد انگیزشی در گرایش به تاسیس کسب و کارهای مستقل توسط دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان دانشگاه‌ها.

در راستای هدف پژوهش سوال‌های ذیل مطرح می‌شود:

- ۱- عوامل ضد انگیزشی دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان دانشگاه‌های ایران در گرایش به کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای مستقل و جدید کدامند؟
- ۲- این عوامل ضد انگیزشی چگونه اولویت بندی می‌شوند؟

جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، شامل آن دسته از دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان دانشگاهی است که با تاسیس شرکت، نسبت به ایجاد کسب و کار آزاد و مستقل (کارآفرینی مستقل فردی) اقدام نموده‌اند. برای سهولت دسترسی به این کارآفرینان، واحدهای مستقر در مراکز رشد و بنگاه‌های نوپای مرتبط با مراکز کارآفرینی دانشگاه‌های تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان جامعه آماری تحقیق در نظر گرفته شده‌اند. زیرا بنگاه‌های مستقر در این مراکز واجد ویژگی‌های مورد نظر می‌باشند یعنی دانشجو یا دانش‌آموخته جوان دانشگاهی هستند که به کارآفرینی و تاسیس بنگاه مبادرت نموده‌اند و با

موانع و عوامل بازدارنده احتمالی در این مسیر روبرو شده‌اند. در مجموع لیستی شامل ۲۳۰ مورد بدست آمده که به صورت سرشماری (تمام‌شماری) برای تمامی آن‌ها پرسشنامه ارسال گردیده و سرانجام ۹۸ پرسشنامه تکمیل شده دریافت شده است. این تعداد، حجم قابل قبولی برای نمونه آماری است چرا که بر اساس فرمول محاسبه تعداد نمونه در پژوهش‌های پیمایشی و با حجم معین برای جامعه (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۲۱۹) حجم نمونه ۶۸^۱ بدست می‌آید.

ابزار مطالعه

در این پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای به منظور تدوین دیدگاه‌های نظری، سوابق تحقیق و تجربیات سایر کشورها و از ابزار پرسشنامه (در مقیاس طیف پنج گانه لیکرت) برای گردآوری داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل تحقیق استفاده شده است. برای روایی پرسشنامه به روش بررسی محتوا از نظرات متخصصان و صاحب نظران کارآفرینی و برای سنجش میزان پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای این کار پیش‌آزمونی با ۱۵ فقره پرسشنامه انجام گرفت، با استفاده از فرمول محاسبه آلفا (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۲۱۱)، این ضریب برای کلیت سوالات پرسشنامه (به جز بخش جمعیت شناختی) برابر با ۰/۷۸ بدست آمد که بیانگر پایایی ابزار پژوهش است.

تعریف عملیاتی متغیرهای مطالعه

چارچوب مفهومی تحقیق که در جدول ۱ آمده است، متغیر مستقل تحقیق را به همراه مولفه‌های آن نشان می‌دهد. (سایر ابعاد و مولفه‌ها خارج از موضوع این مقاله بوده و در اینجا مطرح نشده است). همان طور که مشاهده می‌شود این متغیر دارای پانزده مؤلفه است که بر اساس بررسی پژوهش‌های انجام شده قبلی و نیز مشاوره با صاحب نظران و کارآفرینان کشور به منظور بومی سازی آن استخراج شده است. به هر یک از مولفه‌های این متغیر بر اساس طیف پنج‌گانه لیکرت از یک تا پنج امتیاز تعلق می‌گیرد. متغیر وابسته در این تحقیق، «تاسیس بنگاه جدید و مستقل کارآفرینانه» است.

۱- برای محاسبه حجم نمونه از رابطه $[d^2n=(N-1)+z^2.p.q]$ استفاده می‌شود که در آن، N حجم جامعه، d خطای مجاز محقق و معمولاً برابر با ۰/۱ است، Z مقدار متغیر نرمال واحد متناظر با سطح اطمینان $1-\alpha$ که در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۱/۹۶ است، p برآورد نسبت صفت متغیر با استفاده از مطالعات قبلی و $q=1-p$ و حداکثر مقدار حاصل ضرب pq برابر با ۰/۲۵ است.

جدول ۱: چارچوب مفهومی تحقیق

نوع متغیر	نام متغیر	ابعاد	مؤلفه‌ها
مستقل	موانع گرایش به کار آفرینی	عوامل ضد انگیزشی	ترس از شکست مالی
			ترس از ناتوانی در تهیه منابع مالی کافی برای راه‌اندازی کسب و کار
			ترس از بدهی
			نگرانی از فقدان احتمالی تامین اجتماعی
			نداشتن ایده مناسب برای شروع یک کسب و کار
			ترس از نداشتن مهارت‌های مناسب و کافی
			نداشتن تجربه کاری
			نگرانی از عدم امکان تأمین الزامات قانونی
			جنسیت (ترس از ناکامی در راه‌اندازی و توسعه کسب و کار توسط زنان)
			ترس از تحقیرهای اجتماعی در صورت شکست و ناکامی
			ترس از ناتوانی در مدیریت فعالیت‌ها به دلیل فشار کاری بالا
			وجود فساد اداری در جامعه به طور کلی
			وجود رقابت شدید در زمینه فعالیت‌های کسب و کار
			عدم تقاضای بازار (ترس از عدم نیاز مردم به دریافت و یا خرید خدمات یا محصولات شرکت)
نگرانی از بوجود آمدن وقفه در فعالیت‌های کارآفرینی مردان بواسطه اعزام به خدمت سربازی			

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای پاسخ به سؤال اول تحقیق، از آماره‌های توصیفی (شامل جدول فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آزمون دوجمله‌ای؛ و برای پاسخ به سؤال دوم تحقیق، از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل ضد انگیزشی و بررسی معنی‌داری اختلاف آنها استفاده گردید. تجزیه و تحلیل‌های آماری این پژوهش به

کمک نرم افزار SPSS انجام شده است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کارآفرینان مورد مطالعه و مشخصات بنگاه‌های تاسیس شده توسط آن‌ها به طور خلاصه در جدول ۲ ارائه شده است. ستون دوم این جدول بیانگر «مد» یا «نما» است (یعنی دسته‌ای که در جدول توزیع فراوانی متغیر (صفت) مربوط، دارای بیش‌ترین فراوانی است).

جدول ۲: مهم‌ترین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی کارآفرینان مورد مطالعه

ویژگی	«دسته» واجد بالاترین فراوانی در جدول توزیع فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۸۶,۳
سن	۲۵-۲۹ سال	۴۶,۲
تحصیلات	لیسانس	۴۷,۳
	فوق لیسانس	۴۲,۱
رشته تحصیلی	فنی مهندسی	۷۳,۱
سابقه فعالیت کارآفرینانه (تاسیس شرکت)	بین ۱ تا ۳ سال	۶۴,۵
حوزه فعالیت	صنعت	۸۹,۱
تعداد کارکنان شرکت	بین ۱ تا ۹ نفر (بنگاه خرد)	۶۴,۵

شناسایی عوامل ضد انگیزشی:

جهت شناسایی عوامل ضد انگیزشی دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان دانشگاهی برای گرایش به فعالیت‌های کارآفرینانه و ایجاد کسب و کارهای جدید و مستقل از آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار استفاده گردیده و نتایج حاصل در جدول ۳ ارائه شده است.

بررسی نتایج نشان می‌دهد که بر اساس میانگین بالای ۳، عوامل زیر از منظر کارآفرینان جامعه آماری این تحقیق عوامل ضد انگیزشی در گرایش به فعالیت‌های کارآفرینانه و ایجاد کسب و کارهای جدید و مستقل محسوب می‌شوند:

«ترس از شکست مالی»، «ترس از ناتوانی در تهیه منابع مالی کافی برای راه‌اندازی کسب و کار»، «ترس از بدهی»، «نگرانی از فقدان احتمالی تامین اجتماعی»، «نداشتن تجربه کاری»، «نگرانی از

عدم امکان تأمین الزامات قانونی»، «جنسیت (ترس از ناکامی در راه اندازی و توسعه کسب و کار توسط زنان)»، «ترس از تحقیرهای اجتماعی در صورت شکست و ناکامی»، «وجود فساد اداری در جامعه به طور کلی»، «عدم تقاضای بازار (ترس از عدم نیاز مردم به دریافت و یا خرید خدمات یا محصولات شرکت)»، «بوجود آمدن وقفه در فعالیت‌های کارآفرینی مردان بواسطه اعزام به خدمت سربازی» و همچنین عوامل: «نداشتن ایده مناسب برای شروع یک کسب و کار»، «ترس از نداشتن مهارت‌های مناسب و کافی»، «ترس از ناتوانی در مدیریت فعالیت‌ها به دلیل فشار کاری بالا» و «وجود رقابت شدید در زمینه فعالیت‌های کسب و کار» با داشتن میانگین‌های کمتر از ۳ به عنوان عوامل ضد انگیزشی این مسیر تلقی نمی‌شوند.

جدول ۳: جدول توزیع درصد فراوانی عوامل ضد انگیزشی از نظر کارآفرینان مورد مطالعه

انحراف معیار	میانگین	مقیاس				عوامل ضد انگیزشی	
		کاملاً مخالفم (۱)	مخالفم (۲)	بی نظرم (۳)	موافقم (۴)		کاملاً موافقم (۵)
۰,۸۰۳	۴,۰۴	۲۴,۰	۶۵,۶	۲,۱	۷,۳	۱,۰	ترس از شکست مالی
۰,۸۸۴	۴,۰۷	۳۲,۷	۵۱,۰	۸,۲	۷,۱	۱,۰	ترس از ناتوانی در تهیه منابع مالی کافی برای راه‌اندازی کسب و کار
۰,۸۴۵	۳,۸۷	۱۶,۵		۶,۲	۱۰,۳	۱,۰	ترس از بدهی
۱,۱۴۵	۳,۶۳	۲۲,۰	۴۲,۸	۱۸,۷	۸,۸	۷,۷	نگرانی از فقدان احتمالی تأمین اجتماعی
۱,۲۷۹	۲,۷۶	۵,۳	۳۵,۷	۹,۵	۲۸,۴	۲۱,۱	نداشتن ایده مناسب برای شروع یک کسب و کار
۱,۴۰۷	۲,۷۴	۱۵,۵	۳۲,۰	۸,۲	۲۶,۸	۱۷,۵	ترس از نداشتن مهارت‌های مناسب و کافی

انحراف معیار	میانگین	مقیاس					عوامل ضد انگیزشی
		کاملاً موافقم (۵)	موافقم (۴)	بی نظرم (۳)	مخالقم (۲)	کاملاً مخالفم (۱)	
۱,۱۳۱	۳,۴۷	۲۱,۶	۳۲,۰	۲۰,۶	۲۳,۷	۲,۱	نداشتن تجربه کاری
۰,۹۲۵	۳,۹۱	۲۲,۹	۵۷,۳	۱۰,۴	۶,۳	۳,۱	نگرانی از عدم امکان تأمین الزامات قانونی
۱,۱۹۲	۳,۰۱	۱۲,۵	۲۳,۹	۲۶,۱	۲۷,۳	۱۰,۲	جنسیت (ترس از ناکامی در راه اندازی و توسعه کسب و کار توسط زنان)
۱,۱۹۱	۳,۱۶	۹,۵	۴۲,۱	۱۴,۷	۲۲,۱	۱۱,۶	ترس از تحقیرهای اجتماعی در صورت شکست و ناکامی
۱,۱۷۸	۲,۳۶	۵,۳	۱۶,۸	۱۱,۶	۴۱,۱	۲۵,۲	ترس از ناتوانی در مدیریت فعالیت‌ها بدلیل فشار کاری بالا
۱,۲۴۶	۳,۴۵	۲۱,۷	۳۲,۶	۲۶,۱	۷,۶	۱۲,۰	وجود فساد اداری در جامعه به طور کلی
۱,۱۵۸	۲,۵۶	۳,۲	۲۳,۱	۲۲,۱	۲۹,۵	۲۲,۱	وجود رقابت شدید در زمینه فعالیت‌های کسب و کار
۱,۲۴۶	۳,۲۷	۱۷,۷	۳۱,۲	۲۱,۹	۱۸,۸	۱۰,۴	عدم تقاضای بازار (ترس از عدم نیاز مردم به دریافت و یا خرید خدمات یا محصولات شرکت)
۱,۳۰۱	۳,۶۵	۳۲,۵	۳۱,۴	۱۴,۰	۱۲,۸	۹,۳	بوجود آمدن وقفه در فعالیت‌های کارآفرینی مردان بواسطه اعزام به خدمت سربازی

در تحلیل استنباطی از آزمون دوجمله‌ای (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۲۱۱ و کردنائیچ و زالی، ۱۳۸۶) برای شناسایی عوامل ضد انگیزشی از دیدگاه کارآفرینان استفاده شد. در فرض صفر این آزمون، هر یک از مولفه‌های مورد بررسی، عاملی ضد انگیزشی برای گرایش به کارآفرینی محسوب نمی‌شود و در فرض مقابل، هر یک از این عوامل، عاملی ضد انگیزشی برای گرایش به کارآفرینی خواهد بود. این آزمون برای هر یازده عاملی که در بالا به عنوان عوامل ضد انگیزشی به شمار آمده است، انجام گرفت.

مطابق نتایج حاصل از این آزمون‌ها، فرض صفر در مورد مولفه‌های «نگرانی از فقدان احتمالی تامین اجتماعی» (با $Sig.=0.392$)، «وجود فساد اداری در جامعه به طور کلی» (با $Sig.=0.067$) و «نگرانی از بوجود آمدن وقفه در فعالیت‌های کارآفرینی مردان بواسطه اعزام به خدمت سربازی» (با $Sig.=0.247$) مورد قبول قرار گرفت و در سایر موارد این فرض رد گردید. از این رو با سطح اطمینان ۹۵ درصد، «نگرانی از فقدان احتمالی تامین اجتماعی»، «وجود فساد اداری در جامعه به طور کلی» و «نگرانی از بوجود آمدن وقفه در فعالیت‌های کارآفرینی مردان بواسطه اعزام به خدمت سربازی» را نمی‌توان از دیدگاه کارآفرینان مورد مطالعه، به عنوان عوامل ضد انگیزشی گرایش به کارآفرینی به شمار آورد. همچنین بر اساس نتایج آزمون دوجمله‌ای، «ترس از تحقیرهای اجتماعی در صورت شکست و ناکامی» (با $Sig.=0.028$) و «عدم تقاضای بازار (ترس از عدم نیاز مردم به دریافت و یا خرید خدمات یا محصولات شرکت)» (با $Sig.=0.010$) و شش عامل دیگر (هر کدام با $Sig.=0.000$) مجموعاً هشت عامل ضد انگیزشی در گرایش به کارآفرینی را به شرح زیر تشکیل می‌دهند:

«ترس از شکست مالی»، «ترس از ناتوانی در تهیه منابع مالی کافی برای راه‌اندازی کسب و کار»، «ترس از بدهی»، «نداشتن تجربه کاری»، «نگرانی از عدم امکان تأمین الزامات قانونی»، «جنسیت (ترس از ناکامی در راه اندازی و توسعه کسب و کار توسط زنان)»، «ترس از تحقیرهای اجتماعی در صورت شکست و ناکامی» و «عدم تقاضای بازار (ترس از عدم نیاز مردم به دریافت و یا خرید خدمات یا محصولات شرکت)».

اولویت بندی عوامل ضد انگیزشی

به منظور اولویت بندی و مقایسه اهمیت نسبی عوامل ضد انگیزشی شناسایی شده و بررسی معنی‌داری اختلاف آن‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد. در این آزمون، فرض صفر، بر یکسان بودن اهمیت و اولویت عوامل هشت‌گانه دلالت دارد و فرض مقابل بیانگر آن است که حداقل اهمیت دو عامل با هم برابر نیست. نتیجه این آزمون ($N=98$ ، $Chi-Square=108.899$ ، $df=7$ ، $Sig=0.000$) دلالت

بر رد فرض صفر دارد.

با توجه به رد فرض صفر در آزمون فریدمن، ماتریس رتبه میانگین‌ها به دست می‌آید که در جدول ۴ ارائه شده است. در ستون آخر این جدول اولویت هر یک از عوامل ضد انگیزشی نشان داده شده است.

جدول ۴: اولویت بندی مولفه‌های عوامل ضد انگیزشی

اولویت	میانگین رتبه‌ها	مولفه‌های عوامل ضد انگیزشی
۱	۵,۶۳	ترس از ناتوانی در تهیه منابع مالی کافی برای راه‌اندازی کسب و کار
۲	۵,۳۱	ترس از شکست مالی
۳	۵,۱۰	نگرانی از عدم امکان تأمین الزامات قانونی
۴	۵,۰۱	ترس از بدهی
۵	۴,۱۴	نداشتن تجربه کاری
۶	۳,۹۳	عدم تقاضای بازار (ترس از عدم نیاز مردم به دریافت و یا خرید خدمات یا محصولات شرکت)
۷	۳,۶۵	ترس از تحقیرهای اجتماعی در صورت شکست و ناکامی
۸	۳,۲۳	جنسیت (ترس از ناکامی در راه‌اندازی و توسعه کسب و کار توسط زنان)

نتیجه‌گیری

مبادرت به انجام فعالیت‌های کارآفرینانه، بستگی مستقیم با فراهم بودن مشوق‌ها و محرک‌ها و بستگی معکوس با وجود موانع و عوامل بازدارنده دارد. موانع گوناگون محیطی و عوامل ضد انگیزشی، ابعاد مختلف عوامل بازدارنده را تشکیل می‌دهند. در این مقاله به طور متمرکز به مطالعه عوامل ضد انگیزشی و شناسایی و بررسی مولفه‌های آن پرداخته شده است. اساساً نگرش‌ها، رفتارها و اقدامات فرد تحت تاثیر ادراکات او است. هر قدر برداشت فرد از توانایی‌های خود مثبت باشد میزان گرایش او به فعالیت‌های کارآفرینانه بیشتر خواهد بود. اگرچه طبیعی است که ادراکات فردی تحت تاثیر شرایط محیطی نیز قرار دارند. به عبارت دیگر، مردم در محیط مناسب کسب و کار، فرصت‌های کارآفرینانه خوبی را می‌توانند تشخیص دهند که این امر منجر به شکل‌گیری بالقوه فعالیت‌های کارآفرینانه می‌شود.

به نظر می‌رسد که یکی از موانع جدی در مسیر سوق دادن دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان دانشگاهی به کارآفرینی، نبود انگیزش کافی در بین آنها است. بر اساس تحقیق حاضر، از منظر

دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان دانشگاهی، مولفه‌های گوناگون عوامل ضد انگیزشی در گرایش به کارآفرینی به ترتیب اولویت، به شرح زیر است:

۱- ترس از شکست مالی ۲- ترس از ناتوانی در تهیه منابع مالی کافی برای راه‌اندازی کسب و کار
 ۳- ترس از بدهی ۴- نداشتن ایده مناسب برای شروع یک کسب و کار ۵- ترس از نداشتن مهارت‌های مناسب و کافی ۶- نداشتن تجربه کاری ۷- نگرانی از عدم امکان تأمین الزامات قانونی ۸- جنسیت (ترس از ناکامی در راه‌اندازی و توسعه کسب و کار توسط زنان) ۹- ترس از تحقیرهای اجتماعی در صورت شکست و ناکامی ۱۰- ترس از ناتوانی در مدیریت فعالیت‌ها به دلیل فشار کاری بالا ۱۱- وجود رقابت شدید در زمینه فعالیت‌های کسب و کار ۱۲- عدم تقاضای بازار (ترس از عدم نیاز مردم به دریافت و یا خرید خدمات یا محصولات شرکت).

ترس از شکست مالی در بین عوامل بالا مهم‌ترین عامل ضد انگیزشی محسوب می‌شود، وجود چنین هراسی در جوانان می‌تواند حاکی از ویژگی پر مخاطره بودن محیط کسب و کار کشور برای فعالیت‌های کارآفرینانه باشد که بهبود این شرایط نیازمند سیاست‌ها و برنامه‌های موثر در زمینه‌های: فرهنگ‌سازی برای مخاطره‌پذیر شدن دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی و ایجاد دسترسی آسان به منابع مالی برای فعالیت‌های کارآفرینانه آن‌ها می‌باشد. در حال حاضر دفتر کارآفرینی در دانشگاه‌ها ماموریت فرهنگ‌سازی برای فعالیت‌های کارآفرینی بین دانشجویان و دانشگاهیان را عهده‌دار هستند و انتظار می‌رود با اتخاذ روش‌های موثرتر این نیاز مهم را پاسخگو باشند.

هر فعالیت کارآفرینانه‌ای نیاز به حداقل سرمایه اولیه دارد. کارآفرینان معمولاً با استفاده از پس‌انداز و سرمایه‌های شخصی، یا حمایت مالی خانواده و بستگان نزدیک یا موسسات مالی و بانک‌ها اقدام به تأمین منابع مالی مورد نیاز خود می‌کنند. اما در بسیاری از موارد کارآفرینان بالقوه قادر به تأمین منابع مالی برای راه‌اندازی کسب و کار مورد نظر نیستند و این خلاء بسیاری از کارآفرینان بالقوه را از تبدیل شدن به کارآفرینان بالفعل باز می‌دارد. نتایج نشان می‌دهد ترس از ناتوانی در تهیه منابع مالی، در نزد جوانان به عنوان دومین عامل مهم ضد انگیزشی عمل می‌کند. علیرغم برنامه‌های رو به گسترش حمایت مالی از نوآوری و کارآفرینی در کشور به نظر می‌رسد منابع موجود هنوز نتوانسته است از نظر کمیت و ویژگی‌های عملکردی اطمینان خاطر نسبی را در جوانان برای پرداختن به فعالیت‌های کارآفرینی ایجاد نماید. با توجه به تصویب قانون شرکت‌های دانش‌بنیان که ظرفیت قابل توجهی را برای پشتیبانی مالی کارآفرینان دانشگاهی ایجاد می‌نماید، پیشنهاد می‌شود آئین‌نامه‌های اجرایی

و عملیاتی مرتبط با این قانون به نحوی تنظیم گردد تا سهولت مورد نیاز برای تامین منابع مالی و فعالیتهای کارآفرینانه اقشار دانشگاهی فراهم شود.

بر اساس نتایج، ترس از بدهی سومین عامل مهم ضد انگیزشی در نزد جوانان محسوب می گردد، با توجه به ویژگی سنی جوانان و ضعف بنیة مالی آنها برای تحمل ریسکهای مالی، فراهم کردن شرایط محیطی مناسب، انجام حمایتهای مالی مختلف از فعالیتهای کارآفرینانه در جامعه و فرهنگسازی برای تحمل شرایط مخاطره آمیز در بین دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاهی اقداماتی است که دغدغه ترس از بدهی را در جوانان کاهش داده و در آنها برای انجام فعالیتهای کارآفرینانه ایجاد انگیزش می کند.

نتایج حاصل مشخص می سازد که سه عامل مهم ضد انگیزشی رده اول مستقیماً مرتبط با مسائل مالی است و در سطح سیاست گذاری گسترش کارآفرینی در دانشجویان و فارغ التحصیلان جوان لازم است ابتدا مسائل و مشکلات کارآفرینان در تامین نیازهای مالی فعالیتهایشان مورد توجه قرار گیرد. طبق یافتهها نداشتن ایده مناسب برای شروع یک کسب و کار را به عنوان چهارمین عامل ضد انگیزشی معرفی می کند، علیرغم تاثیر خلاقیت ذاتی افراد در فرصت شناسی و ایده پروری، فعالیتهای و برنامههای دفاتر کارآفرینی دانشگاهی و مراکز رشد در سطح دانشگاهها برای زمینه سازی ارائه و پرورش ایدههای جدید در رفع چنین مشکلی بسیار موثر خواهد بود. نمونههایی از این گونه فعالیتهای را در بعضی از دانشگاهها به صورت برگزاری بورس ایده شاهد هستیم.

بر اساس نتایج، ترس از نداشتن مهارتهای مناسب و کافی به عنوان پنجمین عامل ضد انگیزشی مهم مطرح است. پاسخ گویی به نیاز دانشجویان و دانش آموختگان دانشگاهی به مهارتهای مختلف در فرآیند کارآفرینی نیازمند شناخت دقیق تر از این مهارتها و سیاست گذاری و برنامه ریزی برای تامین آنها است. دفاتر کارآفرینی دانشگاهی به مرور زمان و با کسب تجربه از فعالیتهای گذشته خود می توانند سیاستها و برنامههای خود را در تامین این مهارتها ارتقاء بخشیده و عملاً به نهاد بسیار موثری برای تحریک فعالیتهای کارآفرینانه اقشار دانشگاهی تبدیل شوند.

نگرانی از عدم امکان تأمین الزامات قانونی از جمله موانع کارآفرینان قلمداد می شود که نگرانی ناشی از عدم توانایی در تامین و انجام آنها، از نظر کارآفرینان جوان دانشگاهی مورد مطالعه، عاملی ضد انگیزشی در گرایش به کارآفرینی است. بدیهی است چنانچه توسعه فعالیتهای کارآفرینانه نزد سیاست گزاران به عنوان یکی از مکانیزمهای اصلی توسعه اقتصادی تلقی شود، لازم است به طور نظام یافته مجموعه الزامات قانونی ذیربط فرآیندهای کارآفرینی، مورد بازنگری و اصلاح و بهبود اساسی

قرار گیرند تا این الزامات به جای مانع بودن نقش تسهیل کننده در کارآفرینی داشته باشند. کاهش و رفع سایر موانع شناسایی شده در این تحقیق همانند موارد بحث شده، نیازمند نگرش و تحلیل علمی در آسیب شناسی آن‌ها و استفاده از تجربیات سایر کشورها در ضمن توجه به ویژگی‌های بومی محیط اقتصادی و اجتماعی کشور برای دستیابی به راه‌کارهای موثر در برطرف کردن موانع ضد انگیزشی کارآفرینان جوان دانشگاهی است که انتظار می‌رود از طرف سیاست‌گزاران مورد توجه لازم قرار گیرد.

عوامل ضد انگیزشی که به ترتیب اهمیت در این تحقیق مشخص شده‌اند، اساساً می‌توانند نشانگرهای خوبی برای سیاست‌گزاران و دست‌اندرکاران گسترش کارآفرینی در کشور باشند تا براساس این داده‌ها و نتایج حاصل از سایر مطالعات و پژوهش‌های مشابه بتوانند به سمت ایجاد محیط مناسب و مطلوبی برای فعالیتهای کارآفرینانه در کشور حرکت کنند.

این نتایج با نتایج مطالعات دیده‌بان جهانی کارآفرینی در ارتباط با عوامل: ترس از بدهی، ترس از تحقیرهای اجتماعی در صورت شکست و ناکامی و نگرانی در دستیابی به منابع مالی برای سرمایه‌گذاری همسویی دارد (GEM UK, 2001: 51). همچنین آن بخش از نتایج این تحقیق که به عوامل: ترس از شکست مالی، ترس از بدهی، نداشتن ایده مناسب برای شروع یک کسب و کار، ترس از نداشتن مهارت‌های مناسب و کافی و نداشتن تجربه کاری مرتبط می‌شود، با نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته بر روی دانشجویان دانشگاه لیدز انگلستان هماهنگی و همسویی نشان می‌دهد (Robertson et al, 2004: 10).

از محدودیت‌های تحقیق حاضر جامعه آماری آن است که محدود به واحدهای فناور مستقر در مراکز رشد دانشگاهی کشور است به عبارت دیگر سایر فارغ‌التحصیلانی که مبادرت به کارآفرینی نموده‌اند و در مراکز رشد مستقر نیستند مورد بررسی قرار نگرفته‌اند که این محدودیت از مشکلات دسترسی به این گروه ناشی می‌شود. پیشنهاد می‌شود جهت کامل‌تر شدن یافته‌ها در مطالعات آتی این گروه محل تمرکز بررسی‌های انجام شده باشد.

از دیگر محدودیت‌های تحقیق آن است که پیمایش صورت گرفته بر روی فارغ‌التحصیلانی بوده است که در حال طی مسیر کارآفرینی هستند، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی برای کامل‌تر شدن یافته‌ها، دانش‌آموختگان جوانی که اقدام به کارآفرینی نکرده‌اند نیز مورد بررسی قرار گیرند.

انتظار می‌رود با افزایش پژوهش‌های اجتماعی اقتصادی در کشور، بتوان با تکیه بر دستاوردهای علمی قدم‌های موثری را در گسترش کارآفرینی در کشور برداشت.

منابع و ماخذ:

- سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۱)، «روش‌های تحقیق در علوم رفتاری»، نشر آگاه.
- کردنائیج، اسدالله و زالی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «شناسایی موفق‌ترین راهکارهای توسعه کارآفرینی در ایران با توجه به شرایط بومی کشور»، گزارش طرح تحقیقاتی، سازمان ملی جوانان، تهران.
- مؤمنی، منصور (۱۳۸۶)، «تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS» تهران: کتاب نو، چاپ اول.
- European Commission (2004), Flash Eurobarometer (2004) “*Entrepreneurship*” – PressMemo, Brussels,
http://europa.eu.int/comm/enterprise/entrepreneurship/coop/consultation/doc_en.pdf
- GEM UK (2001), Harding, R. & Billou, N., “*GEM UK, Executive*” Report 2001, London Business School.
- Harding, R. K. (2005), “*Global Entrepreneurship*”, GEM UK 2004report (full), available at: <http://www.gemconsortium.org/documents>
- Hatala, J.P. (2005), “*Identifying Barriers to Self-employment: The Development and Validation of the Barriers to Entrepreneurship Success Tool*”, Performance Improvement Quarterly, 18(4) pp. 50-70
- Robertson, M, (2002), UK Undergraduate “*Entrepreneurial Cultures, Backgrounds and Career Aspirations*”, Leeds Metropolitan University, Leeds.
- Robertson, M. Collin, A., Medeira, N. and Slater, J.(2004), “*Barriers to start-up, Metropolitan University*.” Available at: www.lmu.ac.uk:81/business_start-up/documents/pdf
- Schoof, Ulrich (2006), “*Stimulating Youth Entrepreneurship: Barriers and incentives to enterprise start-ups by young people*”, SEED Working Paper No. 76, International Labour Office, Geneva, Switzerland
- Zhuplev, A., Konkov, A. and Kiesner, F. (1998), “*Russian and American Small Business: Motivations and Obstacles*”, European Management Journal Vol. 16, No. 4, pp. 505–516.

تقدیر و تشکر:

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران برای پشتیبانی از اجرای این تحقیق تشکر و قدردانی نمایند.